

The Role of the Language of the Qur'an in Discovering the Revelation of the Verses of the Holy Qur'an

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Nahid al-Sadat Mousavi¹

Davood Soleimani^{2*}

Mohammadi Sahefian³

How to cite this article

Nahid al-Sadat Mousavi, Davood Soleimani, Mohammadi Sahefian, The Role of the Language of the Qur'an in Discovering the Revelation of the Verses of the Holy Qur'an, *Journal of Quran and Medicine*. 2020;5(3):88-93.

1. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Department of Islamic Education, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: davoud4136@gmail.com

Article History

Received: 2020/09/11

Accepted: 2020/11/23

ePublished: 2020/12/20

ABSTRACT

The text of the Qur'an is full of linguistic and semantic complexities that have been revealed gradually and in a special cultural-historical context. In this regard, knowing more about the language of the Qur'an and paying attention to the social conditions of the revelation of the Qur'an is a key point in understanding the contents of the Qur'an. The present study, which was conducted in a library style and using a descriptive-analytical method, shows that the language of the Qur'an, on the one hand, is a manifestation of Arabic culture and language and, on the other hand, expresses its influence on the Arabic language. The result shows that just as knowing the causes of revelation, atmosphere and atmosphere of revelation of Quranic verses and suras can be effective in understanding and interpreting the Quran, Quranic verses and suras can also be effective in understanding the atmosphere and atmosphere of revelation of Quran and its verses.

Keywords: space of revelation, language, atmosphere of revelation, cultural language, language of Quran

نقش زبان قرآن در کشف فضای نزول آیات قرآن

کریم

ناهیدالسادات موسوی^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

داود سلیمانی^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

محمد صافحیان^۳

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

متن قرآن لبریز از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است که به تدریج و در بستر فرهنگی-تاریخی خاصی نازل شده است. در این راستا شناخت بیشتر زبان قرآن و توجه به شرایط اجتماعی نزول قرآن نکته کلیدی در فهم مضامین قرآنی می‌باشد. پژوهش حاضر که به شیوه کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده نشان می‌دهد که زبان قرآن از سویی تجلی فرهنگ و زبان عربی و از سوی دیگر بیانگر تأثیر بر زبان عربی است. نتیجه بدست آمده حاکی از آن است همانطور که شناخت اسباب نزول، جو و فضای نزول آیات و سور قرآنی می‌تواند در فهم و تفسیر قرآن موثر باشند، همچنین آیات و سور قرآنی نیز می‌توانند در شناخت جو و فضای نزول قرآن و آیات آن موثر و قابل اعتنا باشد.

کلید واژه ها: فضای نزول، زبان، جو نزول، زبان فرهنگی، زبان قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

* نویسنده مسئول: davoud4136@gmail.com

مقدمه

مطالعه واژگان یک قوم و نوع رده‌بندی آنها از مفاهیم و مقولات مختلف، می‌تواند اطلاعات دقیقی درباره محیط زندگی، نوع معیشت، طرز تفکر و جهان بینی و به طور کلی، فرهنگ آن قوم را در اختیار ما قرار دهد. چنانچه برخی زبان را مخزن تجربه فرهنگی یک قوم می‌دانند (۱). این موضوع، خصلت اجتماعی زبان را نشان می‌دهد و آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌دهد. این پیوستگی، به حدی است که برخی زبان را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌سازد. در این راستا شناخت بیشتر زبان قرآن و توجه به شرایط اجتماعی نزول قرآن نکته کلیدی در فهم مضامین قرآنی می‌باشد. زیرا متن قرآن لبریز از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است که به تدریج و در بستر فرهنگی-تاریخی خاصی نازل شده است.

با توجه به مقدمات مطرح شده درصدد پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا فقط سبب یا فضا و جو نزول است که می‌تواند کاشف از قصد آیات و سوراژ مراد حق تعالی در قرآن باشد و یا اینکه خود آیات و سور قرآنی نیز می‌توانند کاشف از سبب، فضا و جو نزول باشند، امری است که در خلال پژوهش‌های تفسیری و قرآنی کمتر بدان توجه شده است. یعنی همیشه از فضا یا جو یا سبب نزول پلی برای فهم و تبیین قرآن زده شده است و نه بالعکس، و اینکه زبان قرآن چگونه و به چه طریقی می‌تواند به فهم جو و فضای نزول کمک نماید مورد توجه نبوده است.

درباره پژوهش حاضر، پیشینه‌ای به طور خاص (یعنی رابطه میان متن و زبان قرآن در کشف فضای نزول قرآن) در اختیار نداریم و محققان به عنوان مساله به آن نپرداخته است لکن در خصوص کارکردها و جنبه ادبی قرآن، پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است که موضوع پژوهش مورد بحث در آن‌ها به طور غیر مستقیم بیان شده و ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد: کارکردهای زبان در قرآن، نوشته ابراهیمی نیا و شونیدی که به بررسی کارکردهای مختلف زبان در قرآن و بیان اینکه قرآن به عنوان معجزه بزرگ آخرین فرستاده خدا بر اساس زبان و مهارت‌های زبانی نازل شده، پرداخته است. همچنین مقاله تحلیل زبان ادبی قرآن با تکیه بر نقد نظریه جدایی زبان ادبی از زبان عادی نوشته حسومی که نویسنده در این مقاله علاوه بر بررسی کارکردهای متفاوت زبان در قرآن، به اثبات ادبی بودن زبان قرآن پرداخته است، این مقاله رویکردی ادبی-قرآنی دارد. مقاله زبان قرآن نوشته باستانی که در آن به پژوهشی نظری در مورد نقش زبان به عنوان وسیله‌ای در برقراری ارتباط با مخاطب پرداخته است. جمشیدی راد نیز در مقاله «زبان و تفکر؛ رویکردی قرآنی، تحلیلی معناشناختی» به بررسی نقش زبان بر تفکر و تفکر بر زبان پرداخته است. همچنین جواد سلمان زاده نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «فضای نزول، مبانی و پیش فرض‌ها» به اثبات مبانی فضای نزول پرداخته و اهمیت آن را در رفع برخی ابهامات و سردرگمی‌های تفسیری و علمی بیان کرده که مانع از تفسیر به رای خواهد شد.

(۲) مفهوم شناسی زبان و جو و فضای نزول قرآن

سوره خواهد بود. در واقع در فضای نزول، صحبت از «تعامل و تأثیر دو جنبه فضای بیرونی با فضای نزول سوره است بدین معنی که هم فضا و جو موجود مقتضی نزول سوره و کل قرآن بود و هم نزول سوره و مجموع قرآن، فضا و جو را دگرگون می ساخته است» (۴). قرآن به عنوان متن الهی در پی دگرگونی فضای جامعه بوده است و برای تأثیرگذاری بر فرهنگ زمانه نزول نازل شده و می خواهد آن فرهنگ را از اساس تغییر دهد. (۵)

۳) زبان فرهنگی

مراد از زبان فرهنگی نیز آن نشانه های کلامی و لفظی است که حامل نوعی مفهوم است که بیانگر نوع زیست، اقلیم، آداب و رسوم، خصلت ها و عادات است که الفاظ معبر القای آنهاست. چنانکه نوشته اند: «حقایق مندرج در قرآن ناظر به واقعیت های عینی حیات فردی و اجتماعی عصر انسانهای نزول است، ...» (۶) به دیگر سخن بین زبان و واقعیت رابطه وجود دارد، گاه زبان بیان واقعیت است و این واقعیت در بیرون به اشکال متنوعی وجود دارد. بررسی زبان تنها با در نظر گرفتن کامل چارچوب های فرهنگی هر جامعه و ویژگی های خاص موقعیت کاربرد کلام، میسر است (۷) زیرا زبان آینه تمام نمای فرهنگ هر جامعه می باشد و تبلور از افکار و آداب و رسوم یک ملت و موجب انتقال ارزش ها و اندیشه هاست. به جهت همبستگی میان زبان و جامعه، هرگونه تغییر و تحولی در جامعه و پدیده های اجتماعی، در زبان بازتاب می یابد.

۴) زبان و کشف جو و فضا

فرض ما در این مقاله بر این است که: میتوان از طریق متن و زبان قرآن که تنها اثر بجا مانده از زمان و شرایط حاکم بر نزول قرآن است، به جو و فضای نزول آیات پی برد. یعنی در اینجا کلام و سخن و به تعبیری، متن، تنها پل ارتباطی خواننده با گذشته است. این زبان: گاه خود مستقیماً و بواسطه گزارشی تاریخی ما را به فضا و شرایط و فرهنگ نزول نائل می گرداند. گاه مفسر و یا خواننده باید از لابلای متن و با روشی هرمنوتیکی به نانوشت های متن نائل شده و به کشف شرایط و اوضاع و احوال و فرهنگی که در آن، متن متولد شده پی برد. زبان فرهنگی قوم حاکی از نشانه هایی است که میتوان از طریق آن به متن زندگی مردم در عصر نزول راه یافت. مثلاً برخی آیات به وضوح ما را به فضای جاهلیت پرتاب می کنند و بی هیچ کنکاش جدی خود، فرهنگ زمانه، و فضای نزول را ترسیم می نماید؛ مانند سوره تکویر در آیات (۸/ ۹) که بیانگر یک عادت جاهلی در برخورد با فرزند دختر است. که در زمان نزول این آیات کما بیش آن فرهنگ محسوس بوده است. علاوه بر اینکه جایگاه زن در عصر جاهلی و نوع نگاه به او را به صورت کلی باز می تاباند. این نگاه به آیه خود سبب می شود که مفسر به تاریخ و سیره جاهلی نیز از طریق متون مرتبط، پل بزند و علاوه بر زبان متن، روایت های گوناگونی که در فرهنگ و اشعار و یا رفتارهای گزارش شده در باره زنان، در سایر متون وجود دارد را به کمک بطلبد و اینگونه با کمک متن و زبان متن بتواند داده های خود در باره فضای نزول سوره و یا جو نزول قرآن را کامل نماید و به فضای واقعی تری در زمان نزول آیات مورد بحث دست یابد.

۵) زبان قرآن و ترسیم فضای نزول

زبان، وسیله برقرار کردن ارتباط است، و مراد از زبان، هرآن چیزی است که انسان، آن را برای القای مافی الضمیر خویش به دیگری بکار می گیرد (۲). از این رو بعضی زبان را «مجموعه ای از دلالت ها و نشانه ها» دانسته اند. «مراد از دلالت یا نشانه هر نوع علامتی است که در روابط میان افراد بشر به کار بیاید» (۳) با تعریف ارائه شده در میابیم که زبان گستره ای فراتر از گفتار دارد، بلکه تمامی نمادها و نشانه های القای معانی را، چون خط، نقاشی، و همه زبان های هنری چون موسیقی و رسانه های تصویری را شامل می شود. ما در این مقاله مرادمان از زبان، اولاً زبان متنی و کلامی قرآن و در درجه بعد، زبان فرهنگی قرآن است.

جو نزول: جو نزول از مفاهیم جدیدتری است که برخی مفسران ذیل همین عنوان از آن یاد کرده اند، هرچند که نمی توان دلیل قانع کننده ای در تقسیم جو و فضای نزول به دو بخش متفاوت (در شناخت فرهنگ و شرایط و مقتضیات) یافت ولی بدلیل نبودن این دست از تحقیقات جا دارد که بدان توجه بیشتری شده و مورد کنکاش قرار گیرد. برخی گفته اند: «جو نزول مربوط به سراسر قرآن کریم است و مراد از آن بستر مناسب زمانی و مکانی نزول سراسر قرآن است. حوادثی که در طی سالیان نزول قرآن در حوزه اسلامی و یا خارج از قلمرو زندگی مسلمانان و حکومت اسلامی پدید آمد و شرایط و افکاری که بر آن حاکم بود و یا رخدادهایی که بر اثر نزول آیات قرآن در جهان آن روز پدید آمد» (۴).

فضای نزول: تا کنون درباره فضای نزول قرآن تعریف جامع و مانعی مطرح نشده است، هرچند که درباره فضای نزول در مقایسه با جو نزول کارهای بیشتری صورت گرفته است ولی کمتر به مرزبندی و شاخصه های فضای نزول با جو و نسبت آن با سبب و شأن پرداخته شده است. جواد آملی پس از تعریف کلی عناوین مذکور می نویسد: «مفسران قرآن کریم عنایت و اهتمام ویژه ای به تبیین شأن و سبب نزول آیات قرآن نشان داده اند، ولی فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است و جو نزول که مربوط به مجموع قرآن کریم است مورد عنایت و توجه مفسران واقع نشده و در تفاسیر موجود مطرح نشده است. فرق شأن نزول با فضا و جو نزول در این است که شأن نزول یا سبب نزول، حوادثی است که در محدوده حجاز یا خارج از آن رخ داده و همچنین مناسبتها و عواملی است که زمینه ساز نزول یک یا چند آیه از آیات قرآن کریم بوده است. اما فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه ای است که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. هر یک از سوره های قرآن کریم فصل جدیدی بود که با نزول آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحیم» گشوده می شد و با نزول بسم الله سوره بعد، پایان می پذیرفت. سوره های قرآن کریم برخی به طور دفعی نازل شده است؛ مانند سوره های حمد، انعام و نصر و برخی به تدریج و در طی چند ماه یا چند سال نازل شده است و در طی مدت نزول یک سوره در محدوده زندگی مسلمانان و جهان خارج حوادثی رخ داده و شرایطی خاص حاکم بوده است. کشف و پرده برداری از این رخدادها و شرایط و تبیین آن در آغاز هر یک از سوره ها، ترسیم فضای نزول آن

فضای ادبی - فرهنگی

زبان قرآن، به بیان آیات زبان عربی مبین است «... وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل/ ۱۰۳) بنابراین رابطه‌ای که با قوم برقرار می‌کند با لسان همان قوم است. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم/ ۴) «و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [بتواند] برای آنان روشنی بیان کند». پس فضای ادبی حاکم بر آیات قرآنی شامل زبان عربی رایج و فرهنگ ادبی عصر است هرچند در ترازوی بالاتر که از آن به معجزه بیانی یاد شده است. بنابراین، از محاورات و نوع گفتگو کردن‌ها و خطاب قرار دادن‌هایی که در سورگوناگون مشاهده می‌شود می‌توان نمونه‌هایی از آن را که بیانگر فضای نزول سوره در قالب زبان عربی قوم است دریافت. زیرا میان زبان و واقعیت رابطه مداوم است. به سخن دیگر، مبنای زبان و علت وجودی آن، واقعیت بیرونی است که قوه شعور و ادراک آدمی آن را منعکس می‌کند؛ بنابراین ارتباط افراد بشر بر اساس واقعیت صورت می‌گیرد نه چیز دیگر (۶). در اینجا زبان قرآن، خود راهنمایی است به فضای فرهنگی حاکم بر جزیره در عصر نزول. چنانکه در سوره حجرات می‌خوانید: «إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات/ ۴) «کسانی که از فراسوی حجره‌ها - اطاقها یا خانه‌های خود تو را آواز می‌دهند، بیشترشان نابخردند». این آیه نشانگر یک عادت و یا فرهنگ نادرست در میان عرب‌ها بویژه اعراب است که بدلیل نادرستی آن فرهنگ، خداوند آن‌ها را با لفظ «لَا يَعْقِلُونَ» مورد سرزنش قرار می‌دهد. فریاد برآوردن از بیرون خانه و به تعبیر قرآن " وراء حجرات" گویا فضایی را برای خواننده ترسیم می‌کند که از خلال این زبان به آن فرهنگ پی می‌برد.

زبان فصیح قرآن و فضای جنگ احزاب

یکی از مصادیق آیات، ارجاع به یک واقعه و یا شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و کشف فضای نزول آن آیه می‌تواند از واقعیات و شرایط و ظروفي که در آن سوره و یا کل قرآن نازل شده است، پرده برگیرد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت سوره و یا کل قرآن در اینجا فضا و جو نزول را انعکاس می‌دهد. نمونه‌های بسیاری را می‌توان در قرآن جست، نمونه‌های زیر می‌تواند در این رابطه در ترسیم فضای جنگ احزاب گویا باشد: سوره احزاب آیات ۹ تا ۲۷ بخشی از فضای جنگ احزاب و رفتارهای منافقان را بازتاب می‌دهد. ، این فضا بر اساس آیات دارای خصوصیات زیر است: «فضای ترس و وحشت از حمله و به شک افتادن»: «إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» آنگاه که از فراز شما - بالای وادی - و از فرود شما - پایین وادی - بر شما در آمدند، و آنگاه که دیدگان خیره شد و دلها به گلوها رسید و به خدا گمانها [ی گوناگون] بردید. (الأحزاب/ ۱۰) «آزمون و تزلزل و تردید»: در آنجا مؤمنان آزمون شدند و سخت به لرزه درافتادند. (الأحزاب/ ۱۱) «ترسیم رفتار منافقان در میان مومنان»: و آنگاه که منافقان و آنان که در دلهایشان بیماری - شک و نفاق - است گفتند: خدا و پیامبرش به ما جز وعده‌ای فریبنده - فتح و پیروزی - ندادند؛ (الأحزاب/ ۱۲) . «بهبان تراسی منافقان برای فرار و بازداشتن مسلمانان از جهاد و

بهبان جویی»: و آنگاه که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه شما را جای ماندن نیست، پس بازگردید - از لشکرگاه به مدینه -، و گروهی از آنها از پیامبر رخصت [رفتن] خواسته می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است - از دزد و دشمن در امان نیست - و حال آنکه آن خانه‌ها بی حفاظ نبود، اینان آهنگی جز گریختن نداشتند. (احزاب / ۱۲). «بیان حالات روحی ایشان و عدم رضایت به جهاد». می‌پندارند که [هنوز] لشکرهای احزاب نرفته‌اند و اگر آن لشکرها بازآیند، دوست دارند که در میان اعراب بادیه نشین می‌رفتند و از خبرهای شما می‌پرسیدند و اگر هم در میان شما باشند جز اندکی کارزار نکنند - پس سودی در ماندن آنها نیست (الأحزاب/ ۲۰) و یا حوادثی چون جنگ بدر و احزاب و امثال آن که در آیات، تجلی یافته و بیانگر فضای نزول سوره است. "لقد نصرکم الله بدر و انتم اذله.. (آل عمران/ ۱۲۳) شما در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید... و یا: "اذ تصعدون و لا تلون علی احد والرسول یدعوکم فی احرکم فاثابکم غما بغم لکیلا تحزنوا... (الغ/ آل عمران/ ۱۵۳). که به شکلی بسیار ملموس گریختن عده‌ای و خواندن پیامبر ایشان را به مقاومت و ایستادگی و برگشتن به جای خود و.. را ترسیم نموده است (۸).

زبان بلیغ و تحدی، بیانگر فضای ادبی حاکم بر فضای نزول قرآن بلاغت و فصاحت قرآن در ترسیم فضاهای حاکم بر جامعه از جمله بیان فضای حاکم در میان مخالفان و منکران رسالت که ادعا می‌کردند: «لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انفال: ۳۱). «اگر می‌خواستیم قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم این جز افسانه‌های پیشینیان نیست». خداوند در آیه ".... فَأَنزَلْنَا سُورَةَ مِنْ مِثْلِهِ" (بقره/ ۲۳) ؛ (یونس/ ۳۸) معارضان را به آوردن یک سوره از تمام آنچه که بر نبی اکرم(ص) نازل شده دعوت می‌کند که در این آیه منظور جدا کردن یک سوره از متن نبوده که اشخاصی با تصور توانایی داشتن دست به چنین کاری زده‌اند. بلکه کسی که قصد معارضه دارد باید بتواند چیزی مثل یک عبارت از متن بیاورد که تمام ویژگیها و جایگاه آن عبارت را در شبکه معنایی متن داشته باشد و رسیدن به این جایگاه دشوار و محال است. بیان آیه «قُلْ لَنْ أَجْتَمِعَ الْأَنْسَ وَالْجِنَّ» (اسراء: ۸۸) اطمینان از عدم تاثیر اتحاد همه عالم هستی در انجام این کار است زیرا بیان کننده این سخن خداوند است که او تنها موثر در عالم است. تعابیر بکار رفته در آیات تحدی بیان کننده جهت تحدی در یک امر محکم و نفوذ ناپذیر است (۹) با توجه به آیات مذکور می‌توان از متن آیات و تفاسیر آن چنین نتیجه گرفت، که در عرف و فرهنگ عرب جاهلی که شعر و خطابه، هنر اصلی آنان بود، شیوه تحدی ادبی و هنری وجود داشته است. خداوند منکران وحی را به تحدی فراخواند تا از گفتن نظیر آن عاجز شده، و به آسمانی بودن قرآن و صدق رسالت حضرت محمد(ص) پی ببرند و اقرار کنند. منکران تمام ثروت و امکانات خود را برای مبارزه با پیامبر (ص) به کار بردند و به جنگ تن دادند؛ ولی در پاسخ به تحدی قرآن ناتوان ماندند. و از همینجا می‌توان به جو ادبی نزول قرآن، یعنی فرهنگ ادبی حاکم بر جزیره در زمان نزول قرآن پی برد.

زبان قرآن و ترسیم فضاهای بهشت

تفسیر قرآن به قرآن میگوید: « و قال الله تعالى: "إنا انزلنا عليك الكتاب لكل شيء" وحاشا أن يكون [القرآن] تبياناً لكل شيء و لا يكون تبياناً لنفسه» (۱۰). البته این مقاله در صدد آن نبود که روش قرآن به قرآن را توضیح دهد، بلکه از این جهت که نتایج این بحث، به توسعه چنان روشی - در تفسیر - کمک می کند، متذکر آن شده است. اما آن فائده اینست که: می دانیم یکی از معیارهای قطعی و میزانی موجد، برای پذیرش و اخذ و یا رد روایات، در لسان ائمه ی دین (سلام الله عليهم اجمعین) "روش عرضه ی روایات به قرآن" است. که - که کلینی در اصول کافی باب مستقلی را تحت عنوان "الرد الي الكتاب والسنة" (۱۲) بدان اختصاص داده است،- بنابراین اگر قرآن در رابطه با حادثه و یا ترسیم فضای نزول بصورتی صریح به بیان آن مورد پرداخت، و روایت تفسیری و یا روایتی که در بیان شان و سبب و یا شرایط و ظرف نزول با آن در تعارض بود، می توان به حکم میزان بودن قرآن برای سنخ صحت و سقم روایات، بدان استناد نمود. این خود معیار و ملاکی برای بررسی برخی روایت های تاریخی و روایی اسباب النزول ها نیز می باشد. و از این طریق به "روش تفسیر ماثور" هم کمک می نماید؛ چون اجازه نمی دهد روایات تفسیری که با فضای ترسیمی توسط قرآن ناسازگار است، در تفسیر به کار گرفته شود. علامه طباطبایی در این رابطه به نکته ای توجه می کند که موید فرضیه ی این نوشتار است، او می نویسد: «آنچه را که عده ای بعنوان شأن نزول آیات ذکر کرده اند. باین ترتیب است که اولاً یک حادثه تاریخی را ذکر نموده و سپس تلاش کرده اند. تا از میان آیات آنچه را که قابل انطباق با آن حادثه است، استخراج نموده، و آنرا شأن نزول آیه قرار دهند، و لذا می بینیم که در بسیاری از موارد؛ ناچار یک آیه را تجزیه نموده، و برای هر قسمتی از آن شأن نزول خاصی بیان داشته اند، یا اینکه آیات متعددی را که دارای سیاق واحدی میباشند از هم جدا نموده و برای هر یک شأن نزول خاصی ذکر کرده اند، و هیچ باین قسمت توجه نکرده اند که این روش موجب اختلال نظم آیات و ابطال سیاق آنست و همین است یکی از علل وهن روایاتی که عهده دار بیان شأن نزول آیات است... با این ترتیب پیداست که یک بحث کننده دقیق، ناچار باید در فهم حقایق تمام این جهات را که مؤثر در کشف حقیقت می باشد در نظر بگیرد.» (۱۳) همچنین ایشان می نویسد: «حدیث در اعتبار خود به تأیید قرآن نیازمند است... و تنها در صورتی که مضمون آیه و قرائتی که در اطراف آیه موجود است با آن ناسازگار بود به سبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه تأیید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد.» «و اساساً مقاصد عالی ی قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی می باشند، در استفاده خود از آیات کریمه قرآن نیازی به روایات اسباب نزول ندارند.» (۲) وجود گزاره های موید این بحث را می توان در تفسیر سراغ گرفت. علامه طباطبایی عموماً در بحثهای روایتی، ذیل آیات مورد تفسیر، برخی روایات را مطرح و به اتکال بیان آیات، آن ها را نمی پذیرد و می گوید که این روایت با ظاهر آیه و یا آیات نمی سازد. مثلاً وی ذیل آیه ی ۱۰۵ سوره ی مائده، در بحث روایی می نویسد: «در نهج البیان از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: این آیه در باره ی تقیه نازل

تصویر گری آیات بهشت با ترسیم تصاویر خوش منظره و خیال انگیز در قالب عباراتی حقیقی به شکلی تأثیر گذار بیان می شود. «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» (محمد/ ۱۵). وصف زیباییهای بهشت برای متقین از دیگر نکات این آیات است. تصاویر رودها، انواع خوردنی ها و آشامیدنیها با عالی ترین انواع آنها که صحنه هایی دل انگیز ایجاد کرده و ذکر انواع میوه ها بدون بیان جزئیات آنها ذهن را به هیجان وا داشته و آن را تحریک می کند تا آنها را در زیباترین شکل تصور نماید و مغفرت پروردگار به عنوان نعمتی معنوی زیبایی نعمات بهشتی را دوچندان می کند. این جملات بیانگر نوع تمایلات انسان و تلقی وی از پاداش هایی است که موجب تحریض و تحریک وی برای انجام و یا ترک فعلی می شود. (۱۰) همچنین بازتابنده حساسیت ها و امور مطلوب جامعه عربی نیز هست. زیرا ذکر نهرها و رودها و آشامیدنی ها و میوه ها در سرزمینی که به بیان قرآن وادی غیر ذی زرع است. بیانگر مطلوبیت آن در فضا و عصر نزول است. آیات زیر هر یک به فراخور گویای وجهی از وجوه واقعی است که به ارزش ها، گرایش ها و مطلوبیت های آن جامعه اشاره دارد: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ» (حجر/ ۴۵) «نَ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ» (مرسلات/ ۴۱) «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (الرحمن/ ۵۰) «فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ» (الرحمن/ ۶۶) «عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ» (مطففين/ ۲۸) «عَيْنَا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» (انسان/ ۱۸). وصف نعمات متنوع و دل انگیز بهشتی از قبیل باغ ها و چشمه ها، با در نظر گرفتن مراتب بهشتیان، ایجاد شوق و رغبت در انسان برای رسیدن به این نعمات است. و در اینجا بیان مطلوبیت آن «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غُلَامَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ» (طور/ ۲۴) تشبیه خدمتگزاران بهشتی به مروارید در صدف بیان نعمتی دیگر برای اکرام و بزرگداشت بهشتیان است «فِيهِنَّ قَاصِرَاتٌ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ. فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن/ ۵۶- ۵۸) توصیف حوربان بهشتی به یاقوت و مرجان در قرآن، برای نشان دادن زیبایی معنوی آنها در کنار زیبایی ظاهری آنهاست. فضایی که از طریق این آیات می توان ترسیم کرد این است که ذکر خیام و انهار و نعمات بهشتی مطلوبیت آنها را در جامعه عربی آن روز و نوع زندگی و جدول ارزش های آنان را بیان می کند. نوع عادت، نوع سبک زندگی، مطلوبیت ها و ارزش ها که در آیات بهشت تصویر سازی شده است. این نقل قول نشان می دهد که بین آیات و فضای نزول سوره رابطه وجود دارد و از متن می توان به آن فضا پی برد (۱۱).

۶) غایت و فایده مترتب بر کشف فضای نزول با زبان قرآن
 زبان قرآن و نقش آن در کشف برخی از واقعیت ها و شرایط فرهنگی و اجتماعی و یا حتی امور عقیدتی و آرای رایج عصر نزول و ادب و عادات و عرف آن روز غیر قابل انکار است. این امر علاوه بر اینکه خود رهاورد قابل قبولی برای درک فضای نزول، از خلال آیات و سور قرآنی است. می تواند نظری تفسیری "روش تفسیر قرآن به قرآن" را در پرتو این امر تقویت نماید. علامه در روش

3. Soleimani, Davood, (2013), *Jurisprudence of Hadith and Criticism of Hadith*, Tehran Culture and Knowledge.
4. Javadi Amoli, Abdullah, (2009), *Tasnim, Qom, Esra.*
5. Talib Tash, Abdolmajid, (1998), *Quran and Culture of the Age of Revelation*, Quarterly Research Quarterly, 13th year.
6. Saeedi Roshan, Mohammad Baqer, (2004), *Analysis of Quran Language and Methodology of Understanding it*, Tehran, Samat Organization.
7. Mohajer, Nabavi, (1997), *Towards the Linguistics of Poetry*, Proceedings of the Third Linguistics Conference, Yahya Modarresi, Mohammad Dubai Moghadam, First Edition, Tehran, Allameh Tabatabaei University Press, Institute of Humanities and Cultural Studies.
8. Marefat, Mohammad Hadi, (1415), *Al-Tamhid Fi Uloom Al-Quran*, Qom, Islamic Publishing Institute.
9. Tabatabai, Mohammad Hussein, (1417 AH), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers Association.
10. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub, (1996), *The Principles of Al-Kafi Volume 1*, Tehran, Islamic Bookstore.
11. Tabarsi, Sheikh Abu Ali Fazl Ibn Hassan, (1993), *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, correction, Seyyed Hashem Rasooli Mahallati and Seyyed Fazlullah Yazdi Tabatabai, third edition, Tehran: Nasser Khosrow.
12. Kashani, Mullah Fathullah, (1957), *Interpretation of the method of the honest in the obligation of the opposition*, Tehran, Mohammad Hassan Elmi Bookstore.
13. Modarresi, Yahya, (1989), *An Introduction to the Sociology of Language*, First Edition, Bija, Institute for Cultural Studies and Research.
14. Marefat, Mohammad Hadi, (2010), *History of Quran*, Twelfth Edition, Qom, Mehr.
15. Taba Tabaei, Seyyed Mohammad Hussein, (1984), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Tehran, Amirkabir.

شده است. سپس ایشان در پایان توضیح خود می نویسد: "وقد تقدم في البيان السابق أن ظاهر الآية لاتساعد على ذلك". (۱۴) یعنی این قول با ظاهر آیه نمی سازد. یا در سوره ی نساء ذیل آیه ۱۵۹ می فرماید: «در تفسیر عیاشی از قول ابوعبدالله آمده است که: "ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامه یکون علیم شهیدا." (نساء / ۱۵۹) مقصود، رسول خدا (ص) است». سپس صاحب المیزان می افزاید: گرچه ظاهر این روایت با ظاهر سیاق آیات که متعرض عیسی (ع) می باشد، مخالف است، لیکن ممکن است مراد از روایت، بیان جری قرآن باشد.» یعنی ایشان از ظهور و سیاق آیه به نقد روایت می پردازد (۱۵).

۷) تاثیر دو سویه زبان قرآن بر فرهنگ و زبان عرب
 زبان قرآن در عین حالی که زبان عربی قوم است «وما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه» (ابراهیم/ ۴) ولی باید دانست که بر زبان عرب نیز تأثیر فراوان گذاشته است. در حقیقت زبان قرآن از سویی تجلی فرهنگ و زبان عربی است و از سوی دیگر بیانگر تاثیر بر زبان عربی است. چنانکه واژه های نفاق و حج و صلوة و امثال آن را در کاربرد قرآنی خود متحول ساخت... "به تعبیر احمد امین، بی گمان قرآن بر واژگان عرب فرود آمد و در پرتو آن می توان فرهنگ عقلی و حیات اجتماعی و اقتصادی آن روزگار را دانست (۶). چون رخدادها و وقایع که در سوره های قرآن بدون پرداختن به جزئیات آن بیان شده برای روشنگری نسبت به آن وقایع و استخراج ارزشهای ثابت دینی و اظهار قدرت خداوند بعنوان ابزار تربیتی به تصویر کشیده شده است. تا افرادی که با آن حوادث به سر نبرده اند، بتوانند آن فضا را درک کنند. مانند حالات مختلفی که در جریان جنگ بدر از سپاه اسلام (انفال / ۶-۱) به تصویر کشیده شده است.

نتیجه گیری

بین نص قرآنی و عالم واقع رابطه ای وجود دارد که می توان از طریق متن و زبان قرآن، و روایتگری آن، "قرینه ها و شواهد"ی را بر فضای نزول سوره ها و جو قرآن بدست آورد. از این طریق می توان به فرهنگ، آداب و رسوم، عادت ها، سبک زندگی و نوع مطلوبیت ها و ارزش ها در جامعه عربی عصر نزول و فضای نزول قرآن تا حدود بسیاری پی برد. این کار توانست نشان دهد که زبان و آیات قرآنی در ترسیم فضای حاکم بر نزول سوره، می تواند "فرآینی درخور توجه" در اختیار مفسر قرار دهد.

References

- The Holy Quran
1. Palmer, Richard, (2002), *Hermeneutics*, Mohammad Saeed Hanaei Kashani, Tehran, Hermes Publications.
 2. Tabatabai, Mohammad Hussein, (2000), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Tehran, Islamic Publications.